

«مهر خانواده» مرهم طلاق

خراسان رضوی با ۵۵/۴ درصد، بیش‌تاز صلح و سازش

در پرونده های طلاق مراکز مهر خانواده در کشور است

گزارش روز



فاطمه رقی

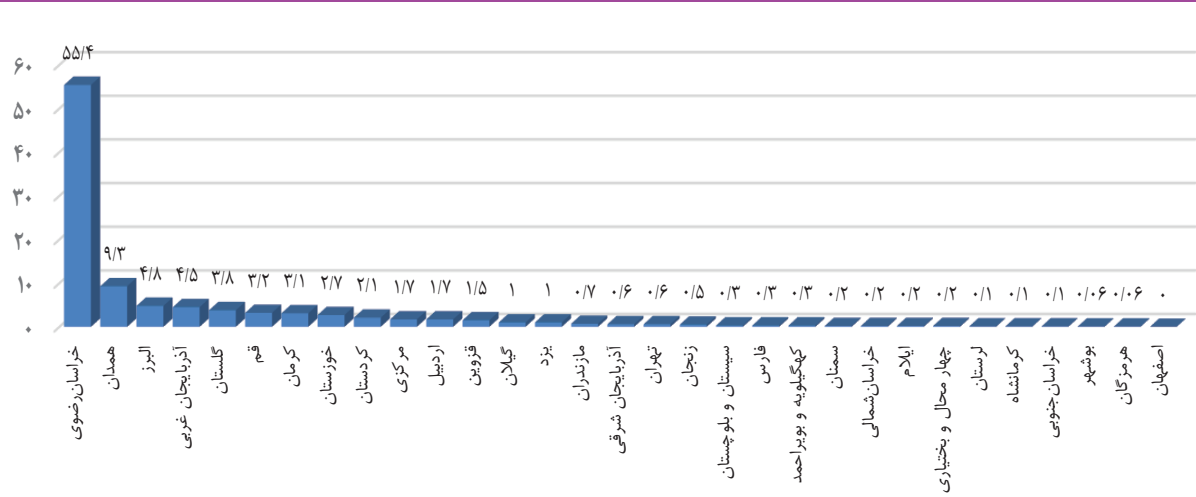
اسمشان «مهر خانواده» است؛ مراکزی که در مشهد از تیرماه سال ۱۳۹۵ کار خود را آغاز کردند تا مکانی امن باشند برای ملاقات فرزندان طلاق با پدر و مادرشان، ملاقاتی که تا پیش از آن در کلاتری ها انجام می شد و فارغ از آسیب های روحی و روانی طلاق بر کودکان، انتظامی بودن مکان آن ملاقات، نیز پیامدهایی را برای روان آن ها به دنبال داشت. یکی از کار کردهای این مراکز هم این بود که در صورت امکان، زمینه بازگشت والدین به زندگی مشترک را فراهم کنند؛ خبر خوش اینکه از سال ۱۳۹۵ تا پایان سال گذشته، مراکز مهر خانواده بر زخم ۱۸۹۰ فقره طلاق مرهم گذاشته اند؛ به عبارت دیگر در این بازه زمانی، ۱۸۹۰ رویداد صلح و سازش در پرونده های طلاق مراکز مهر خانواده در خراسان رضوی ثبت شده است که این رقم، ۵۵/۴ درصد مجموع صلح و سازش های این مراکز را در کشور شامل می شود و استان مادر این زمینه پیش‌تاز است. اهمیت این موضوع را زمانی می توان درک کرد که بدانیم تعداد این مراکز در خراسان رضوی (۱۶ مرکز) از استان هایی مانند مازندران (۲۲ مرکز) و تهران (۱۹ مرکز) کمتر است و مازندران تا کنون ۲۴ رویداد و تهران هم فقط ۱۹ رویداد صلح و سازش را ثبت کرده اند. این آمار و ارقام را مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی در گزارش اخیر خود در زمینه ارزیابی عملکرد مراکز مهر خانواده کشور منتشر کرده است.

پیشینه قانونی «مهر خانواده»

پیشینه قانونی راه اندازی مراکز مهر خانواده در کشور به تصویب قانون حمایت از خانانواده در سال ۱۳۹۱ برمی گردد. در تبصره ماده ۴۱ این قانون، تأسیس مراکز مهر خانواده با هدف ایجاد سازش در مراحل بعد از طلاق، فراهم کردن مکان امن ملاقات والدین با کودک و پیشگیری و کاهش آسیب های ناشی از جدایی، پیش بینی شده است. اگرچه آیین نامه اجرایی این قانون در سال ۱۳۹۳ تهیه و ابلاغ شد، راه اندازی این مراکز تا سال ۱۳۹۵ طول

کشید و از آن زمان تا پایان ۱۴۰۲ با نظارت معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه و با مشارکت سازمان امور اجتماعی، ۲۰۵ مرکز در کشور راه اندازی شده است که از این تعداد، ۱۶ مرکز در خراسان رضوی فعال است. به عبارت دیگر، خراسان رضوی سهم ۷/۸ درصدی از این مراکز را به خود اختصاص داده و از منظر تعداد، در جدول، پس از استان های مازندران (۷/۱۰ درصد)، تهران (۲۶/۹ درصد) و گیلان (۸/۸ درصد) قرار گرفته است.

نمودار در صد صلح و سازش استان هانسبت به کل کشور تا پایان سال ۱۴۰۲



نگاهی به صلح و سازش ها

بررسی های بازوی پژوهشی مجلس شورای اسلامی نشان می دهده که از زمان راه اندازی مراکز مهر خانواده در سال ۱۳۹۵ تا پایان سال ۱۴۰۰ در این مراکز، ۱۱۳۲ رویداد صلح و سازش تحقق یافته است؛ این رقم در سال بعد از آن، یعنی ۱۴۰۱ با افزایش ۱۵۳۰ رویداد به ۲ هزار و ۶۶۲ مورد رسیده است؛ صلح و سازش های سال گذشته هم ۷۵۱ رویداد بود و در مجموع تا پایان پارسال در کشور ۳ هزار و ۴۱۳ رویداد صلح و سازش انجام شده است. از مجموع این صلح و سازش ها هم ۱۸۹۰ رویداد مربوط به خراسان رضوی بوده و استان ما در این زمینه رکورد دار و پیش‌تاز است.

رتبه سوم استان در «گزارش های کودک»

تهیه «گزارش های کودک» از دیگر فرایندهای مداخله مراکز مهر خانواده است و در این فرایند، درباره وضعیت کودک و چگونگی حضانت او اطلاعاتی برای ارائه به مراجع قضایی تهیه می شود. این گزارش ها می تواند منجر به تجدید نظر و تغییر در حکم حضانت فرزند شود. در خراسان رضوی از سال ۱۳۹۵ تا پایان سال گذشته، ۵۱۶ گزارش کودک تهیه شده است و از این منظر، استان ما سهم ۱۲/۳ درصدی را به خود اختصاص داده و پس از استان های آذربایجان غربی (۲۷/۲ درصد) و گلستان (۱۶/۲ درصد) در جایگاه سوم قرار گرفته است. در مجموع ۴ هزار و ۱۸۵ گزارش کودک در مراکز مهر خانواده کشور تهیه شده است.

سهم ۲۰ درصدی استان از ملاقات ها

مرکز پژوهش های مجلس در گزارش خود، اقدامات انجام شده در مراکز مهر خانواده را در دو حوزه خدمات مربوط به فرزندان طلاق و خدمات مشاوره و صلح و سازش دسته بندی کرده است. تعداد ملاقات های فرزندان با والدین، یکی از شاخص های این ارزیابی است که براساس داده های آن، در خراسان رضوی از ابتدای راه اندازی مراکز مهر خانواده تا پایان سال گذشته، ۹۲ هزار و ۵۵۷ ملاقات انجام شده است و از این منظر، استان ما سهم ۲۰ درصدی را در کشور به خود اختصاص داده و پس از آذربایجان شرقی (۲۰/۷ درصد) در جایگاه دوم قرار گرفته است. پس از خراسان رضوی نیز استان های قم و تهران با ۱۸/۹ و ۷/۳ درصد ملاقات ها قرار گرفته اند. در مجموع تعداد ملاقات های انجام شده کودکان با والدین در این سال ها، روند افزایشی داشته است و از ۲۲۸ هزار و ۲۷۰ ملاقات در پایان سال ۱۴۰۰ به ۲۸۴ هزار و ۲۷۱ ملاقات در سال ۱۴۰۱ و ۴۵۶ هزار و ۱۵۸ ملاقات در پایان سال ۱۴۰۲ رسیده است. به عبارتی در بازه زمانی سال های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ تعداد ملاقات ها رشد ۹۹/۸ درصدی را نشان می دهد.

تاریک و روشن های مهر خانواده

مرکز پژوهش های مجلس در بخشی از گزارش خود به جمع بندی قوت ها و ضعف های مراکز مهر خانواده پرداخته است. بر این اساس، این مراکز توانسته اند محیطی امن همراه با برخی خدمات روان شناسی و مددکاری اجتماعی و یک فضای مجزای بازی را برای فرزندان طلاق فراهم کنند. هماهنگ کردن ملاقات فرزند، تشکیل پرونده فرزندپروری مشترک، برگزاری کارگاه های آموزشی به منظور دریاقت مهارت های اجتماعی و زندگی برای فرزندان و فرزندپروری مشترک برای والدین، طرح آگاه سازی و خودمراقبتی

زنان پس از طلاق، همچنین برگزاری اردو و برنامه های تفریحی، برخی از مهم ترین خدمات ارائه شده در این مراکز هستند که در مجموع برای تأمین مصالح کودک، ضروری است.

با این حال، نبود قوانین متناسب در حوزه حضانت و ملاقات، نامناسب بودن زیرساخت های فیزیکی مراکز، همکاری نکردن مطلوب دستگاه هایی مانند ادارات تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بهداشت و درمان، بهزیستی و ... با دادگستری، محدودیت در اعتبارات به منظور راهبری مراکز، نبود امنیت



عکس: سعید گلشنی/شوراز



حریم خانه، حرم خانواده

«این جهان کوه است و فعل ماند/اسوی مآید ندها را صدا»، حرف حکیمانه جناب مولوی است که هشدارمان می دهد مراقب رفتار و گفتار و حتی پندارمان باشیم. تجربه همه ما هم این واقعیت را گواهی می کند که هرکنشی را واکنشی است برابر. خیر باشد - که چنین باد- پاسخ، خیر خواهد بود. شر باشد - که چنین مباد- جواب هم از همین جنس خواهد بود، پس مراقبت کنیم رفتارمان را. مدیریت کنیم کلماتمان را که چون بدر عمل می کنند. بذری انتخاب کنیم برای کاشتن که چون شکوفا شود، در شکوه داشتن آن زندگی مان برحلاوت

شود.

بخواهیم یا نخواهیم، در خانه میز پیننگ پنگ جاسازی می شود. این قاعده زیست دوفنری است که با هم پشت چهاردیواری ای به اسم خانه قدم های اول خانواده شدن را برمی دارند. شناخت ها کامل نیست، ذائقه ها متفاوت است، سلیقه ها با هم نمی خواند. اگر هر دوفنر سر موضع خود بایستند و اصرار بر به کرسی نشاندن حرف خود داشته باشند، صندلی از زیر پای زندگی سر خواهد خورد و شاهد اعدام زندگانی خواهیم بود، حال آنکه دو نفر که به هم رو می آورند، از عدم بیزارند و هستی را در باهم بودن می خواهند، لذا باید پیّ این خواسته، برخیزند و جوری تعامل کنند که زندگی با سازندگی همراه شود. تجربه می گوید در این عرصه، کسانی موفق اند که حریم خانه را محترم

شکستن حریم خانواده مثل انداختن دیوار خانه است. بی دیوار، سقف آوار می شود. شوریدن بر حریم خانواده هم چشم دیگران را در زندگی آدمی باز می کند. چشم که باز شد، زبان هم باز می شود. اگر نگوئیم فراوان اما قطعی می توان گفت که برخی زبان ها شورند و مثل چشم ها ویرانگر. باید مراقبت کنیم حریم خانواده را، ی دیوار خانه را. اگر پشت دیوار کار به دعاو هم رسید، این سوی دیوار جز آشتی نباید دیده شود. دعای آن سوی دیوار همان است که باور ابلهان را هم برمی آشوبد. آشتی این سوهم خود نگهبان زندگی می شود. دیگر نکته ای که باید زنان و مردان جوان را بدان توجه داد، همان مثل قدیمی است که می گفتند دو تا من، نیم من هم نمی شوند اما اگر از این من، چند سیری بگذراند، هزار من هم می شوند. مطالعه میدانی هم این موضوع را تأیید می کند. زندگی موفق، سهم کسانی است که از مرز مقابله، اندکی پا پس می کشند. کوتاه آمدن فرد، به قامت کشیدن شخصیت خود او می انجامد. حتی نفر دیگر را هم رشید می کند. کسانی که کوتاه نمی آیند، سختی روزگار و تلخی شرایط چنان آنان را می تراشد که از کوچکی به چشم هم نمی آیند. مراقبت کنیم از زندگی. قهر را به آشتی، کینه را به مهر، فساد را به اصلاح برسانیم. ما آدمی هستیم؛ زاده اندیشه و عقل و فرهنگ. می توانیم چنین کنیم. حتما می توانیم برای رشد درخت زندگی، قدم های بلند برداریم اگر گاهی کوتاه بباییم.

دیدگاه

به وقت جدایی

امروز خیلی چیزها باگذشته فرق کرده است. تغییرات عجیب و غریب فناوری های مدرن و توسعه ارتباطات و رسانه های اجتماعی، همه پدیده های زندگی بشری را تحت تأثیر قرار داده است. در برخی از این موارد اگر فضای اجتماعی را با ۱۰ سال قبل مقایسه کنیم، گویی همچون اصحاب کهف چند صد سال از زندگی بشری گذشته و آداب و رسوم مردم به کلی محول شده است. زندگی زناشویی و نظام خانواده نیز از این قاعده مستثنا نیست. بسیاری از مبانی تربیتی و آموزه هایی که قبل ها برای جوان ها ارزشمند بود و بدان وفادار بودند، اکنون اهمیتی ندارد و در برخی مواقع حتی به عنوان ضدارزش تلقی می شود. شاید هیچ گاه تصور اینکه سن ازدواج تا نزدیک

چهل سالگی افزایش یابد یا در جامعه، عده ای از جوان ها مقوله «تجرد قطعی» را به عنوان امری اختیاری برگزینند، باورپذیر و پیش بینی شدنی نبود ولی الان همه این ها هستند. الغرض! بعد از تشکیل خانواده و رفتن جوان ها زیر یک سقف، آرام آرام مشکلات خودنمایی می کند. شاید عده ای دوست دارند بلافاصله همه چیز را گردن مسائل اقتصادی ببندازند و قطعاً و حتماً بخش درخورتوجهی از چالش ها اقتصادی است اما در واقع این همه ماجرا نیست. در عرصه های مختلف اجتماعی، خانوادگی، رفتاری و اخلاقی کم و کاستی هایی وجود دارد که بسیاری از زندگی ها را تا پرتگاه طلاق قطعی یا طلاق عاطفی پیش می برد.

نگه داشتن زندگی در ریل طبیعی خود با مهربانی، محبت و آرامش اگر نگوئیم غیرممکن، کار بسیار سختی شده است. باید بگوئیم هنر می خواهد و باید برای آن آموزش ببینیم. در واقع پیچیدگی های زندگی امروزی آن قدر زیاد است که بدون مطالعه و آموزش، دیگر به راحتی نمی توان از پس آن برآمد، به هر حال همواره این امکان هست که با وجود تلاش و انگیزه فراوان برای یک زندگی سالم، زن و مردی نتوانند یکدیگر را برای تداوم زندگی راضی نگاه دارند و اختلاف ها تا سطحی بالا بگیرد که پای طلاق به میان آید. به راستی در این گونه مواقع چاره چیست؟

جوان های امروزی کمتر صبر می کنند، اکثر اا اهل «ساختن زندگی» به معنای آنچه درگذشته مطرح بود، نیستند و خیلی زود زیر همه چیز می زنند و آوای جدایی سر می دهند. برخی به جای «تعمیر»، به «تعویض» فکر می کنند و در گمان خود همه چیز را به طرف مقابل نسبت می دهند و احساس می کنند اگر با فرد دیگری ازدواج کنند، اتفاق های بهتری برای آن ها رخ می دهد اما معمولاً این فکر، درست از آب در نمی آید. وقتی طرفین به سمت طلاق حرکت می کنند، گویی در شیب تندّی از بد خوئی و مجادله قرار می گیرند. بسیاری مواقع در اختلافات شدید زناشویی، چیزهایی از درون افراد بالا می آید و رفتارهایی از خود نشان می دهند که درگذشته، هرگز از آن ها ندیده بودیم.

به راستی چه می شود که این سطح از خشم، بدگویی، توهین و تحقیر یکدیگر و ریختن آبروی طرفین ایجاد می شود و خیلی زود سراغ وکیل و دادگاه می روند تا غائله ختم شود؟ مسلماً هیچ قاضی و داورى که در دادگاه های رسمی وجود دارد، نمی تواند به صورت کاملاً صحیح موضوع را کنکاش کند و نظر بدهد؛ چون اولاً از طرفین ماجرا خبر ندارد و ثانیاً عامل تعیین کننده در دادگاه ها، نحوه ارائه دادخواست و کلاً و موضوعاتی از این دست است و در بسیاری مواقع واقعیت ماجرا پنهان می ماند.

فرهنگ میانجی، ریش سفیدی یا رفتار داورى بی طرفانه و به قول قدیمی ها، کد خدمتشی بزرگ ترها، روشی بود که سال ها قبل بسیار رواج داشت، مؤثر بود و جلوی بسیاری از طلاق ها را می گرفت و زندگی ها را مجدداً پایدار و پررونق می کرد. اکنون نیز میانجیگری، کد خدمتشی و داورى بی طرفانه از سوی فردی عموماً بزرگ تر، عاقل و حکیم که مورد پذیرش طرفین است، می تواند نقش بسیار مثبت و مهمی در بهبود روابط خانوادگی داشته باشد. افراد دلسوزی که برای طرفین ماجرا فردی امین، مهربان و خیرخواه هستند و علاوه بر احساس تکلیف شرعی، در پیوند دوباره یک زندگی، از مهربانی سرشاری برخوردار هستند و می توانند در نرم کردن دل زن و مرد، رفع کدورت ها، شفاف کردن مسائل و پیچیدگی های او وساطت و ضمانت برای بهبود زندگی پیش قدم شوند و ماجرا را حل و فصل کنند. ریش سفیدی و بزرگ تری رسم معمول و زیبایی بوده که اکنون نیز می تواند در زندگی جوان ها برکت، رحمت و مهربانی بیاورد. باید به تجربه و نفس حق آن ها اعتماد و برای ساختن زندگی تا جای ممکن، تلاش کرد.



۲۳ شنبه
۵ آذر ۱۴۰۳
شماره ۳۳۳۵
۳۳۳۵

۱۳
SHAHRAANNEWS.IR

